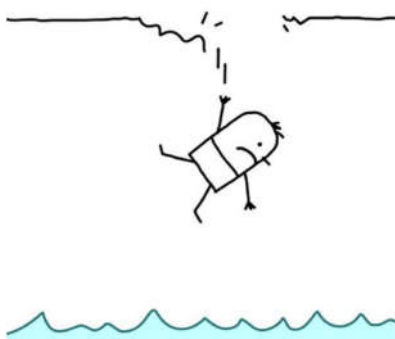


نسبت سود به ریسک



راه دیگر برای افزایش شانس خود در سودآوری این است که زمانی معامله کنید که پتانسیل برنده شدن شما 3 برابر بیشتر از ریسک شما باشد. اگر نسبت سود به ریسک 3:1 به خود بدهید، شانس بسیار بیشتری برای سود در دراز مدت دارید. نگاهی به این نمودار به عنوان مثال بیندازید:

10 معامله	باخت	برد
1	\$1,000	
2		\$3,000
3	\$1,000	
4		\$3,000
5	\$1,000	
6		\$3,000
7	\$1,000	
8		\$3,000
9	\$1,000	
10		\$3,000
مجموع	\$5,000	\$15,000

در این مثال، می‌توانید ببینید که حتی اگر فقط 50 درصد از معاملات خود را برنده شوید، هنوز هم 10,000 دلار سود می‌کنید. فقط به یاد داشته باشید که هرگاه با نسبت سود به ریسک خوبی معامله کنید، شانس سودآور بودن شما بسیار بیشتر است حتی اگر درصد برد کمتری داشته باشید.

اما ...

و این امای بزرگی است ... تعیین نسبت سود به ریسک بالا هزینه دارد. در ظاهر، مفهوم تعیین نسبت سود به ریسک بالا خوب به نظر می‌رسد، اما فکر کنید در سناریوهای معامله واقعی چگونه عمل می‌کند.

فرض کنید شما معامله گری هستید که به دنبال چندین پیپ سود در بازار می باشد (Scalper) و فقط می خواهید 3 پیپ ریسک کنید. با استفاده از نسبت سود به ریسک 3:1، این بدان معنی است که باید 9 پیپ به دست آورید. در ابتدا، اوضاع علیه شماست چرا که باید کارمزد بدهید.

اگر کارگزار شما کارمزد 2 پیپ برای EUR/USD ارائه کند، باید 11 پیپ به دست آورید، که مجبور می شوید نسبت سود به ریسک دشوار 4:1 را بردارید. با توجه به اینکه نرخ تبادل EUR/USD در عرض چند ثانیه می تواند 3 پیپ بالا و پایین رود، باید خیلی سریع توقف کنید.

اگر قصد کاهش اندازه موقعیت خود را دارید، آنگاه می توانید حد ضرر خود را افزایش دهید تا نسبت سود به ریسک مورد نظرتان را حفظ کنید. اکنون اگر پیپهایی را که می خواهید ریسک کنید به 50 افزایش دهید، باید 153 پیپ به دست آورید. با انجام این کار، می توانید نسبت سود به ریسک خود را به 3:1 مورد نظرتان نزدیک تر کنید. دیگه خیلی هم بد نیست، درسته؟

در دنیای واقعی، نسبت های سود به ریسک غیر قابل تغییر نیستند. آنها باید بسته به چارچوب زمانی، محیط بازار و نقاط ورود/خروجتان تنظیم شوند.

